

مدرسه علوم دینیہ سلطان العلماء بندر لنگہ

الأذکار

من کلام سید الأبرار

تألیف: الإمام الحافظ شیخ الإسلام محی الدین

أبی ذکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی شافعی

ترجمہ و شرح: شیخ محمد علی خالدي (سلطان العلماء)

منتشر شدہ از: انتشارات ایلاف

www.sultanolama.com

Email: lenggeh@sultanolama.com

فهرست

مقدمه.....	۱۱
در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال.....	۱۳
بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون اینکه مقید به وقت معین باشد.....	۲۰
بابی است در بیان ذکرى که موقع بیدار شدن از خواب مى گوید.....	۳۱
بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس مى گوید.....	۳۳
بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها مى گوید.....	۳۴
بابی است در بیان آنچه به دوستش مى گوید، وقتی که دید لباس نوى پوشیده است.....	۳۵
بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آنها.....	۳۶
بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها مى گوید.....	۳۷
بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه مى گوید.....	۳۷
بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش مى شود، مى گوید.....	۳۹
بابی است در بیان آنچه مى گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود.....	۴۲
بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح مى گوید.....	۴۶
بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت ..	۴۷
بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است.....	۴۸

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة

الحمد لله الواحد القهار، العزيز الغفار، مقدر الأقدار، مصرف الأمور مكور الليل على النهار. تبصرة لأولى القلوب و الأبصار. الذي أيقظ من خلقه من اصطفاه فأدخله في جملة الأخيار. و وفق من اجتباه من عبیده فجعله من المقرّبين الأبرار، و بصّر من أحبّه فزهدهم في هذه الدار، فاجتهدوا في مرضاته و التأهب لدار القرار و اجتناب ما يسخطه و الحذر من عذاب النار، و أخذوا أنفسهم بالجدّ في طاعته و ملازمة ذكره بالعشيّ و الأبرار و عند تغیر الأحوال و جميع آناء الليل و النهار، فاستنارت قلوبهم بلوامع الأنوار. أحمده أبلغ الحمد على جميع نعمه و أسأله المزيد من فضله و كرمه، و أشهد أن لا إله إلاّ الله العظيم، الواحد الصمد العزيز الحكيم، و أشهد أنّ محمّداً عبده و رسوله، و صفیّه و حبيبه و خليفه، أفضل المخلوقين، و أكرم السابقين و اللاحقين، صلوات الله و سلامه عليه و على سائر النبیّین و آل كلّ و سائر الصالحين.

امّا بعد: کتاب «الأذکار من کلام سیّد الأبرار» از بهترین تألیفات الإمام العالم العلامة سیّد الحفاظ فی عصره و الجامع بین المنقول و المعقول فی دهره، نسیج و حده و فريد عصره،

ابی زکریّا یحیی بن شرف النووی تَعَمَّده الله برحمته و أسکنه الفردوس الأعلى من جنّته، می باشد؛ روی این اصل با اندکی تلخیص به ترجمه و شرح این کتاب برخاستم تا برای مبتدئین امثال خودم نافع و سودمند باشد و این کتاب را به سه قسمت تقسیم نمودم تا هر قسمتی جداگانه چاپ شود و در اجتناب تطویل و ملازمت اختصار مایه‌ی پسند دانش‌پژوهان قرار گیرد. کتابی که از قدیم درباره‌ی آن گفته شده: «بِعُ الدارَ و اشترَ الأذکار؛ خانه را بفروش و اذکار را بخر».

معلوم است که تا چه حد مقبول نظر علما و صلحا می باشد. و ما با این شرح مختصر و مفید در جمله‌ی خادمان این کتاب قرار گرفتیم. امید ما به دریای رحمت پروردگار این است که کتاب و شرح آن را مقبول خاص و عام قرار بدهد و نفعش به عموم برساند. إِنَّهُ سَمِيعٌ مُّجِيبٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلًا و آخِرًا و صَلَّى اللَّهُ و سَلَّمَ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ و آلِهِ و صحبه و أتباعه دائماً سرمداً.

فصل

فی الأمر بالإخلاص و حسن النّیات فی جمیع الأعمال الظاهرات و الخفیات

در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا.

قال الله تعالى : ﴿وَمَا أَمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾

«و فرمان نیافتند جز آن که خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین‌ورزی به دین ابراهیمی) بپرستند».

و قال تعالى : ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ اتَّقَوِي مِنْكُمْ﴾

«نمی‌رسد به خدای متعال گوشت‌های قربانی و نه خون‌های آن‌ها ولیکن به شما می‌رسد پرهیزگاری و خیراندیشی شما».

قال رسول الله ﷺ : (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ). مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

«صَحَّتْ کَارِهَا بِه حَسَب نِیتِ آن هاست و به هر کس داده می شود از ثواب به حسب نیت او، پس هر کس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی او باشد، پس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی اوست و کسی که هجرتش برای دنیا یا برای زنی است که با او ازدواج می کند، پس هجرتش برای چیزی است که برای آن هجرت کرده است.»

از این رو هر کاری که می خواهی انجام بدهی باید به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق خدا انجام دهی تا کارت مقبول و ثواب آن برایت محفوظ باشد.

صالحان گفته اند: هر شخص به قدر نیتش نگه داری می شود و هر کس به حساب قصد و نیتش ثواب می یابد و هر کاری که برای رضای مردم انجام داده شود آن شرک است و هر کاری که به خاطر مردم ترک شود ریا است و اخلاص عبادت از این است که خدا تو را از شرک و ریا نگه دارد و برای به دست آوردن رضای خدا موفق فرماید.

(فصل) شایسته برای هر کس آن است که هر وقت دانست که کاری دارای ثواب است به حسب توانایی خود انجام دهد و اگر چه در عمری یک بار باشد، اگر به او رسید که نماز تسبیح ثواب بسیار دارد آن را اقلأ در عمری یک بار انجام دهد. اگر شنید که عمره در رمضان ثواب حج همراه رسول الله ﷺ را دارد، اقلأ یک بار در عمر انجام دهد. اگر شنید از اهل علم که نماز ضحی و یا اَوَّابین میان مغرب و عشا ثواب بسیار دارد، اقلأ یک بار انجام بدهد و اگر بتواند هیچ کدام را از دست ندهد.

(فصل) دانشمندان گفته اند که جایز و مستحب است که در فضایل اعمال به حدیث ضعیف عمل نموده تا وقتی که حدیث موضوع نباشد. اما در احکام مثل حلال و حرام عمل کردن جز به حدیث صحیح و یا حَسَن درست نیست. مگر اینکه از باب احتیاط باشد، چنانکه اگر حدیثی وارد باشد بر مکروه بودن بعضی از انواع بیع یا بعضی از انواع نکاح که در این صورت مستحب است آن نوع بیع و نکاح را ترک نمود.

(فصل) ذکر و یاد خدا ممکن است به دل یا به زبان باشد و بهتر است که یاد خدا به دل و زبان هر دو باشد. اگر بخواهد بر یکی از آن دو اکتفا نماید ذکر و به قلب باشد از ذکر و به زبان باشد و دل با آن نباشد بهتر است. و هیچگاه نباید ذکر به قلب و لسان را با هم به خاطر اینکه ممکن است گمان ریا به او ببرند از دست بدهد. برای اینکه اگر کسی این راه را بر خود بگشاید که هر چه گمان ریا در آن برود از دست بدهد خیر عظیم را از دست می‌دهد و هیچگاه طریق صالحان چنین نیست.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود که آیهی: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تَخَافُ يَهُنَا﴾ درباره‌ی دعا نازل شده است که دعای خود را نه زیاد بلند بگو و نه زیاد آهسته، بلکه حدّ وسط را نگه دار.

(فصل) بدان که ذکر و یاد خدا منحصر در تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر نیست، بلکه هر عملی است که به آن رضای خدا به دست می‌آید. واعظی که وعظ می‌گوید ذکر خدا و یاد خدا حساب می‌شود. جاهایی که انسان در آن جاها احکام حلال و حرام را می‌آموزد که چگونه بیع را انجام دهد و چگونه نماز بخواند و چگونه روزه برود و چگونه نکاح نماید و چگونه طلاق بدهد و چگونه حج برود که صحیح باشند، این جاها محل ذکر و یاد خدا است. طالب علم که درس خود را تکرار می‌کند تا در راه علم نافع پیش برود، استادی که درس می‌دهد تا شاگردانش از علم سودمند بهره‌مند شوند، کاسبی که کار حلال انجام می‌دهد تا نفقه‌ی زن و فرزند از حلال بدهد، یاسبانی که شب بیدار می‌ماند تا جان و مال مردم را از دستبرد جنایتکاران حفظ کند، سربازی که در مرز کشور می‌نشیند تا کشور را از تعدّی دشمن نگه دارد، مادری که خواب راحت را از چشم خود دور می‌نماید تا کودکش آسوده بخوابد، همه‌ی این‌ها وقتی که به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق باشد همه

طاعت و یاد خدا است. و اینکه گفته شده عبادت به جز خدمت خلق نیست به همین معناست که خدمت به خلق به قصد به دست آوردن رضای خدا در حکم یاد کردن خدا و طاعت اوست.

(فصل) قال الله تعالى: ﴿وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً﴾ احزاب: ۳۵

«و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا آماده فرمود برایشان آمرزش و ثوابی بس بزرگ».

قال رسول الله ﷺ: (سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ، قالوا وما المفردون يا رسول الله، قال الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيراً والذَّاكِرَاتِ). رواه مسلم عن أبي هريرة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

رسول الله ﷺ فرمود: «مُفْرَدُونَ سبقت گرفتند، گفتند: مفردون چه کسانی هستند یا رسول الله، فرمود: مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند».

ابن عباس فرمود: مقصود از این آیه کسانی هستند که بعد از نمازهای فرض و بامدادان و شامگاهان یاد خدا می‌کنند. عطاء گفت: کسی که نمازهای فرض پنجگانه را با حقوق آنها به جا آورد در این آیه داخل است، یعنی جزو بسیار یادکنندگان خدا است. ابن الصلاح گفت: کسی که اذکار ثابت را در صبح و شام و در حالات مختلف از شب و روز به جا آورد از بسیار یاد خداکنندگان شمرده می‌شود.

الحاصل: مسلمان باید وقتی که از خواب بیدار می‌شود و وقتی که به بستر خواب می‌رود و وقتی که از خانه بیرون می‌رود و وقتی که به خانه می‌آید و بعد از نمازها و هنگام خوراک خوردن و آب آشامیدن و لباس پوشیدن نام خدا و یاد خدا بر دل و زبان او باشد تا دل و زبان او به یاد خدا عادت کند و از یاد خدا و سپاس او و شکر نعمت‌های او غفلت نرزد. کلمه‌ی توحید: «لا إله إلا الله» بهترین کلمه‌ای است که باید همیشه بر دل و زبان باشد.

(فصل) علما اتفاق دارند که یاد خدا کردن به دل و زبان جایز است برای کسانی که بی وضو و یا جنب و یا حائض و یا نفساء هستند، اینان می‌توانند تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر را به زبان بگویند و به دل بیاورند. اما قراءت قرآن برایشان روا نیست و اگر چه قراءت بخشی از یک آیه باشد. و درست است برایشان بر دل جاری کردن قرآن، بدون اینکه به زبان بیاورند و درست است برایشان نظر در قرآن و جاری کردن آن بر دل بدون اینکه به زبان بیاورند. و درست است برایشان گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» موقع غذا خوردن و آب آشامیدن و موقع دخول و خروج خانه، و گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» در وقت مصیبت و گفتن «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» وقتی که در کشتی، ماشین و هواپیما و یا بر حیوان سواری می‌نشینند. و اگر جنب باشد و آب نیابد و تیمم نماید به جای غسل، می‌تواند با این تیمم نماز بخواند و قرآن بخواند و اگر جنب نه آب بیابد برای غسل و نه خاک بیابد برای تیمم، او در وقت مشخص نماز فرض را بخواند برای حرمت وقت و فاتحه را نیز در آن بخواند. و الله سبحانه و تعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم

(فصل) شایسته است برای کسی که خدا را یاد می‌کند و اذکار وارده را می‌خواند اینکه در بهترین حالت باشد از لباس پاک و جای پاک و با وضو باشد؛ و اگر نشسته است رو به قبله بنشیند. اگر این حالت را رعایت نکند یاد خدا کردنش درست است، اما بهترین حالت را از دست داده است و دلیل آن آیه‌ی ۱۹۱ سوره‌ی آل عمران است: ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ﴾

«مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و به پهلو خود خوابیده».

و در حدیث صحیح آمده: (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ أَحْيَانِهِ).

«رسول الله ﷺ خدا را یاد می‌فرمود در همه‌ی حالاتش»؛ در راه رفتن و نشسته

و ایستاده و به پهلو افتاده و با وضو و بی وضو و در حال جنابت. یاد خدا در همه احوال جایز است. واللّٰه سبحانه و تعالی اعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(فصل) بدان که یاد خدا کردن در همه‌ی حالات انسان خوب و پسندیده است مگر در حالاتی که شرع یاد خدا کردن را در آن حالات منع نموده است. بنابراین ذکر در حال نشستن برای قضای حاجت و در حال جماع و در وقتی که باید گوش به سخن خطیب بدهد و در قیام نماز که محل قرائت فاتحه و سوره است و در حال چرت زدن و غلبه‌ی خواب که در این احوال یاد خدا کردن مکروه است. اما در کوچه و خیابان موقع راه رفتن و در حمام یاد خدا کردن مکروه نیست. واللّٰه سبحانه و تعالی اعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(فصل) مقصود از ذکر و یاد خدا کردن حضور قلب است، بنابراین باید ذکر کننده در حال حضور قلب باشد و بکوشد که در حال ذکر خدا دل او حاضر باشد و عظمت خدا را به خاطر داشته باشد و بداند که این توفیق بزرگی است که او توانسته است از یاد خدا دل خود را به نور ایمان روشن نماید. و آنچه به زبان می‌آورد معنی آن را بداند و مثلاً کلمه‌ی «لا اله الا الله» مدّ آن را به جا آورد که در این مدّ فهم معنای آن به دست می‌آید.

(فصل) شایسته این است کسی که وردی از ذکر دارد بر آن مداومت نماید و اگر وقتی از او فوت شد آن را تدارک ببیند تا عادت به ترک ذکر ننماید، چنانکه در حدیث صحیح مسلم است به روایت عمر بن الخطاب رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ)؛ «کسی که عادت داشت حزبی از قرآن را در شب بخواند یا قسمتی از حزب، و به خواب رفت و آن حزب را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند، ثواب آن

برایش نوشته می‌شود چنانکه گویا در شب خوانده است».

(فصل) در بیان حالاتی که بر خواننده‌ی ورد عارض می‌شود که مستحب است ترک ذکر نماید و آن حالت که رفع شد به سوی ذکر خود برگردد. چنانکه اگر کسی در حضور او عطسه کرد قراءت خود را قطع کند و به او بگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» و برگردد به سوی قراءت خود و همچنین کسی که سلام نمود بر او، جواب سلام بگوید و برگردد به سوی قراءت خود و همچنین اگر اذان شنید، جواب مؤذن را بگوید به کلمات اذان و اگر اقامه شنید، کلمات اقامه را بگوید و بعد از جواب مؤذن برگردد به سوی قراءت خود و اگر منکری دید منع نماید و اگر کسی سؤالی دارد ارشاد او نماید و سپس برگردد به سوی قراءت خویش و اگر چرت و خواب آمد، بخوابد و بعد برگردد به قراءت خود.

(فصل) بدان که هر ذکر مشروع و هر قراءتی در نماز و یا غیر آن، واجب باشد یا سنت، اعتباری ندارد مگر وقتی که به زبان آورد و خودش آن را بشنود وقتی که شنوایی اش سالم باشد.

(فصل) بدان که در اوردن و اذکاری که در شب و روز گفته می‌شود، دانشمندان ما کتاب‌های گران‌بهای تصنیف فرموده‌اند که یکی از بهترین آن‌ها کتاب: «عمل الیوم و اللیلة» تألیف امام احمد بن محمد بن اسحاق السنّی است و بهتر از آن کتاب: «أذکار» تألیف امام نسوی است که آن را از کتاب‌های معتمد، مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطاء امام مالک و سنن ترمذی و ابو داود و نسایی و مسند امام احمد و ابی عوانه و سنن ابن ماجه و دارقطنی و بیهقی و غیر از آن‌ها نقل نموده و همه‌ی آن‌ها به اسناد خود تا مؤلفین آن‌ها روایت دارد. و کتاب «اذکار» در خوبی ضرب المثل است تا جایی که گفته‌اند: (بِعَ الْأَذَّارَ وَ أَشْتَرُ الْأَذْكَارَ)؛ «خانه را بفروش و کتاب اذکار امام نووی را بخر». کتاب اذکار امام نووی از بهترین

کتاب‌های تالیف شده در این زمینه است و از بهترین کتاب‌های امام نووی. و این کتاب مختصر الاذکار که به تألیف آن مبادرت نمودم همه‌ی مطالب آن از کتاب اذکار گرفته شده و به زبان فارسی ترجمه شده است. واللّٰه سبحانه و تعالی اعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(فصل) بدانکه در این مختصر آنچه آورده می‌شود همه از اذکار امام نووی رحمته الله گرفته شده است.

(باب مختصر فی أحرف ممّا جاء فی فضل الذکر غیر مقید بوقت)

بایی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون اینکه مقید به وقت معین باشد.

قال الله تعالى: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾؛ «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». چه نعمتی از این بالاتر که وقتی بنده خدا را یاد کند، خدا او را یاد کند، آیا نباید همیشه مؤمن خدا را یاد کند تا خدا او را یاد کند. کسی که خدا او را یاد کند به بهترین نعمت‌ها رسیده است برای اینکه خدا یاد بنده‌ای می‌نماید که او را دوست می‌دارد.

قال رسول الله ﷺ: (أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)؛ «بهترین یاد خدا در گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می‌باشد: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا». - الله سبحانه و تعالی - رواه الترمذی و ابن ماجه.

قال رسول الله ﷺ: (كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ). رواه البخاری

«دو کلمه هستند که گفتنشان بر زبان سبک است و وزن ثواب آن در ترازوی حسنات سنگین است و این دو کلمه محبوب هستند نزد خدای بسیار بخشاینده‌ی

بسیار مهربان: سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظيم». یعنی پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم. پاک و منزّه است خداوند بزرگ.

و در صحیح مسلم به روایت از ابوذر رضی الله عنه آمده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود:

(أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ). و در روایتی: (سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: (مَا أَصْطَفَى اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ أَوْ لِعِبَادِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «آیا تو را با خبر نکنم از محبوبترین سخن نزد خدای تعالی؟ محبوبترین سخن نزد خدا: سبحان الله و بحمده است؛ یعنی تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم. خدا را از هر عیب و نقصی مبرا می‌دانم و او را شایسته‌ی حمد و ثنا می‌دانم. و از رسول الله صلی الله علیه و آله سوال شد: بهترین سخن کدام است؟ فرمود: «آن سخنی است که خدا برای فرشتگانش یا برای بندگانش برگزید. سبحان الله و بحمده».

و در صحیح مسلم از سمرة بن جندب رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا يَضُرُّكَ بِأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ).

«محبوبترین سخن نزد خدای تعالی چهار کلمه است: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، زیانی برایت ندارد به هر کدام ابتدا نمایی». سبحان الله: خدا را پاک و منزّه می‌دانم از هر عیب و نقصی. الحمد لله: ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست. لا اله الا الله: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. الله اکبر: خدا بزرگ‌تر است. هر کس و هر چه به خاطرت آید، خدا از او بزرگ‌تر است، یعنی در برابر بزرگی و عظمت خدا همه‌ی کاینات خرد و حقیر هستند.

و در صحیح مسلم از ابو مالک اشعری رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ).

و در صحیح مسلم است که رسول الله صلی الله علیه و آله به جویریة، همسر گرامی اش که هسته‌ی خرما جمع کرده بود و با آن‌ها تسبیح و تهلیل را می‌شمرد، فرمود: از وقتی که من از نزد تو رفته‌ام تا حال که آمده‌ام همین کار شمردن تعداد تسبیح و تهلیل به هسته‌ی خرما را انجام داده‌ای؟ جویریة گفت: آری. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: من وقتی که از این جا رفتم چهار کلمه گفته‌ام که اگر با گفته‌ی تو مقایسه شود، از گفته‌های تو برتر آید. آن چهار کلمه عبارتند از سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ».

سبحان الله و بحمده به شماره‌ی مخلوقات خدا، برابر رضای او، و هموزن عرش او و به اندازه‌ی مرکب معلومات خدا.

تسبیح و تحمیدی که از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله باشد و با این اوصاف هیچ تسبیح و تحمید دیگری با آن برابر نخواهد شد. و باید به همین کلمات باشد تا ثواب عظیم آن فراهم آید.

و در صحیح مسلم به روایت ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (لَأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ).

«آنکه بگویم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر، محبوب‌تر است نزد من از همه‌ی آنچه آفتاب بر آن‌ها طلوع کرده است». یعنی این چهار جمله گفتن از دنیا و ما فیها بهتر است، برای اینکه دنیا فانی است و ثواب این جملات می‌ماند».

و در صحیح بخاری و مسلم به روایت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ده بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ ثواب آن مانند ثواب کسی است که چهار برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است به روایت ابوهریره رضی الله عنه عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در روز صد بار آن را بگوید ثواب آن برابر است با ثواب ده برده آزاد کردن و نوشته می شود برای او یکصد حسنه و محو می شود از او یکصد سیئه و در تمام آن روز نگه داشته می شود از شیطان تا شامگاهان و در آن روز کسی بهتر از او گفتاری نیاورده است مگر کسی که بیش از او آن را گفته باشد. و فرمود: (مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةً مَرَّةً، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در روز صد بار بگوید: سبحان الله و بحمده، گناهان او محو می شود و اگر چه مانند کف دریا باشد». کف دریا: همان سفیدی است که روی موج دریا ظاهر می شود.

ترمذی و ابن ماجه از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت کرده اند که جابر گفت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: (أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ). قال الترمذی حدیث حسن. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین ذکر و یاد خدا گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است با عمل به مضمون آن.

امام بخاری رحمته الله از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت نمود و ابوموسی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: (مِثْلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَ الَّذِي لَا يَذْكُرُهُ مِثْلُ الْحَيِّ وَ الْمَيِّتِ)؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مثال کسی که یاد خدا می کند و کسی که یاد خدا نمی کند مثال زنده و مرده است». آن کسی که یاد خدا می کند زنده است و آن کسی که یاد

خدا نمی‌کند در حکم مرده است. برای اینکه کسی که از یاد خدا در غفلت است از مردگان شمرده می‌شود.

در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص روایت می‌نماید که سعد رضی الله عنه گفت: اعرابی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: سخنی به من بیاموز که من آن را بگویم. قال: (قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ). قال فَهَؤُلَاءِ لِرَبِّي، فَأَلِي؟ قال: (قُلْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي).

رسول الله صلی الله علیه و آله به آن اعرابی فرمود: «بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، الله که یکتا است، و هیچ شریکی ندارد. و الله اکبر کبیراً: خدای یکتا بزرگ‌تر است از آنچه در خاطر انسان آید. بزرگی و عظمت او را شایسته است. و الحمد لله کثیراً: و همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست، حمد و ستایش بسیار و بی‌شمار. و سبحان الله رب العالمین: و پاک و منزّه است الله که پروردگار جهانیان است هر چه هست پرورده‌ی نعمت‌های اوست. لا حول و لا قوّة الا بالله العزیز الحکیم: نه توانایی و قدرتی است برای پایداری بر طاعت خدا و نه توان و قدرتی است برای دوری از گناه، مگر به کمک خدای یکتای پر عزت پر حکمت». وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله این کلمات را به اعرابی آموخت، اعرابی گفت: این‌ها همه برای پروردگارم می‌باشد، پس برای خودم چیست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو خدایا بیامرز مرا و مرا مورد رحمتت قرار ده و مرا به راه راست برسان و مرا روزی ده».

و در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده که سعد گفت: ما خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم، آنگاه فرمود: «آیا یکی از شما ناتوان است از اینکه هر روزی هزار حسنه به دست آورد؟ یکی از کسانی که خدمت پیغمبر بودند، پرسید:

چگونه هزار حسنه را به دست می‌آورد؟ فرمود: «یکصد بار سبحان الله می‌گوید و برای او هزار حسنه نوشته می‌شود یا اینکه هزار خطیئه از او محو می‌شود».

لفظ حدیث: کُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: (أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْتَسِبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟) فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْتَسِبُ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: (يُصْبِحُ مَائَةً تَسْبِيحَةً فَتُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ تُحْطُ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ). قال الامام الحافظ أبو عبد الله الحميدي: كذا هو في كتاب مسلم في جميع الروايات: «أَوْ تُحْطُ»، قال البرقاني: ورواه شعبة و أبو عوانة و يحيى القطان عن موسى الذي رواه مسلم من جهته فقالوا: «و تُحْطُ» بغير ألف. یعنی به حسب روایت اینان: کسی که یکصد بار سبحان الله گفت، هزار حسنه برای او نوشته می‌شود و هزار خطیئه و گناه از او محو می‌شود.

و در صحیح مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت نمود که ابوذر گفت: رسول الله ﷺ فرمود: (يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَ نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَ يَجْزِي عَنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى).

رسول الله ﷺ فرمود: «بامداد هر روز بر هر عضوی از اعضای بدنتان صدقه‌ای است. هر یک بار که سبحان الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر باری که الحمد لله می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر باری که لا اله الا الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر باری که الله اکبر می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر امر به معروفی که می‌کند صدقه‌ای است و هر نهی از منکری که می‌کند صدقه‌ای است و جای همه‌ی این‌ها را می‌گیرد دو رکعت نماز سنت ضحی که آن را می‌خواند». اقل نماز ضحی دو رکعت است و اکمل آن هشت رکعت است و وقت آن بعد از گذشتن شانزده دقیقه از طلوع آفتاب است تا اذان ظهر. و بهترین وقت آن در ربع النهار است که چهار یک روز گذشته باشد. سُلَامَى به معنی عضوی از اعضای بدن، جمع آن، سُلَامِيَات است.

و در صحیحین بخاری و مسلم آمده است که ابو موسی اشعری رضی الله عنه گفت:
 قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله: (أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَثْرٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟) فَقُلْتُ: بلى یا رسول الله، قال:
 (قُلْ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ)؛

«ابو موسی اشعری رضی الله عنه گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «آیا تو را راهنمایی
 نکنم به گنجی از گنجینه‌های بهشت؟» گفتم: بلی یا رسول الله، فرمود: «کلمه‌ی
 لا حول و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مثل گنجی است از گنجینه‌های بهشت». لا حول و لا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ، یعنی نه توانایی دارم بر پایداری بر طاعت خدا و نه می‌توانم دورری از
 نافرمانی خدا، مگر به کمک خدای یکتا، که هر طاعتی انجام بدهم از مددکاری
 اوست و هر معصیتی را ترک نمایم از نگه‌داری اوست. اعتماد بر خدا در توفیق بر
 طاعت و در نگه‌داری از معصیت، مانند گنجی از گنجینه‌های بهشتی است که به
 انسان داده شده باشد.

و در سنن ابو داود و ترمذی آمده است که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفت که
 همراه رسول الله صلی الله علیه و آله نزد زنی رفتیم که جلو او هسته‌های خرما و سنگریزه بود و
 گفتن سبحان الله را با آن‌ها می‌شمرد؛ رسول الله صلی الله علیه و آله به آن زن فرمود:

(أَلَا أَخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ؟) فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي
 السَّمَاءِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ
 عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ
 لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ)؛ «آیا تو را خبر ندهم به چیزی که بر تو آسان‌تر
 باشد از آن یا هم آسان‌تر و هم فضل آن بیشتر باشد؟ آنگاه فرمود: سبحان الله به
 شمارهی آنچه خدا آن‌ها را در آسمان آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا
 آن‌ها را در زمین آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آن‌ها را میان آسمان و
 زمین آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آن‌ها را می‌آفریند و الله اکبر مانند

آن‌ها، یعنی به شماره‌ی آن‌ها و الله اکبر مانند آن‌ها و الحمد لله به همان اندازه و لا إله إلا الله، مانند آن‌ها، یعنی به همان شماره و لا حول و لا قوة إلا بالله به همان شماره». ترمذی بعد از روایت این حدیث گفته است: حدیث حسن.

و نووی رحمته الله در کتاب اذکار فرمود: ما روایت داریم در سنن ابو داود و ترمذی به اسناد حسن از یسیره رضی الله عنها که زنی از صحابه و از مهاجران است که رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان دستور داد که: (أَنْ يُرَاعِينَ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّقْدِيسِ وَ التَّهْلِيلِ وَ أَنْ يَعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطِقَاتٌ)؛ «رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان امر فرمود که: «در موقع تکبیر و تقدیس و تهلیل، یعنی موقع گفتن الله اکبر و موقع گفتن سبحان الله و موقع گفتن لا إله إلا الله، دل خود را حاضر کنند و به انگشتان خود آن را بشمارند، برای اینکه انگشتان در روز قیامت پرسیده می‌شوند و به سخن می‌آیند».

و در اذکار فرموده که: روایت داریم از سنن ابی داود و ترمذی و سنن نسائی به اسناد حسن از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که گفت: دیدم رسول الله صلی الله علیه و آله را که موقع گفتن سبحان الله به انگشتان خود آن‌ها را می‌شمرد. و در روایتی به انگشتان دست راست خود آن‌ها را می‌شمرد.

و در اذکار فرمود: روایت داریم در سنن ابو داود از ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

(مَنْ قَالَ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله رَسُولًا وَ جَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ)؛ «کسی که گفت: راضی و خشنودم به خدای یکتا، الله، در پروردگارش و راضی هستم به اسلام در دینداری و راضی و خشنودم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله در پیغمبریش، یعنی کسی که به دل و زبان به پروردگاری خدا و دینداری اسلام و رسالت خاتم انبیا راضی باشد و از ایشان پیروی و اطاعت نماید، بهشت برای او ثابت است».

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن بشر رضی الله عنه که مردی به

خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت که: شرایع اسلام بر من بسیار شد، یعنی احکام در اسلام بسیار است و من از عهده‌ی همه‌ی آنها برنمی‌آیم، مرا خبر ده به کاری که به آن تمسک بجویم. فرمود: (لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى)؛ «همیشه زبانت به یاد خدا تر باشد». یعنی همیشه خدا را یاد کن، زیرا وقتی زبانت همیشه به یاد خدا مشغول شد، غیبت و خبرچینی و دروغ و زشت‌گفتاری از تو سر نمی‌زند و یاد خدا به صورت همیشگی زبانت را از بدی باز می‌دارد و عملت را از زشتی نگه می‌دارد.

نووی فرمود: و در سنن ترمذی روایت داریم از ابو سعید خدری رضی الله عنه که از رسول الله ﷺ پرسیده شد: چه عبادتی درجه‌اش در روز قیامت نزد خدای متعال بالاتر است؟ قال: (الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا) قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمِنْ أَلْغَاظِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟ قال: (لَوْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَ يَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الذَّاكِرُونَ أَفْضَلَ مِنْهُ)؛ فرمود: «درجه‌ی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، بالاترین درجه است». ابو سعید خدری می‌گوید، گفتم: آیا درجه‌ی عبادت ایشان از کسانی که جهاد در راه خدا می‌کنند بیشتر است؟ رسول الله ﷺ فرمود: اگر غازی، یعنی مجاهد فی سبیل الله، با شمشیر خود کافران و مشرکان را بزند تا جایی که شمشیرش شکسته شود و و به خون آغشته شود باز هم کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر او برتری دارند.

نووی فرمود: و روایت داریم در کتاب ابن ماجه از ابودرداء رضی الله عنه که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: (أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَرْفَعُهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ خَيْرُ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ وَ خَيْرُ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ؟) قَالُوا: بَلَى، قال: (ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى)؛

ابودرداء رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت نمود که فرمود: «آیا خبر ندهم شما را به کاری که بهترین اعمال‌تان و پاکیزه‌ترین رفتار‌تان و بالاترین درجه در اعمال‌تان

باشد و بهتر باشد برای شما از انفاق طلا و نقره و بهتر باشد برایتان از اینکه با دشمن رو در رو شوید و گردن آنها را بزنید؟ گفتیم: بله، فرمود: «یاد کردن خدای متعال». حاکم ابو عبدالله در کتاب خود، «المستدرک»، گفت: این حدیث صحیح الاسناد است.

در حقیقت ادیان همه آمده‌اند تا مردم را به خدا نزدیک کنند و مردم را به طاعت خدا وادارند و کسی که همیشه زبانش به یاد خداست و دلش در فرمان خداست او خود را برای همه انواع طاعت آماده نموده و خود را از هر نوع گناه و عصیان ننگه‌داشته است، از این رو او دارای بالاترین درجه عبادت و ثواب است.

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم را ملاقات نمودم، گفت: (یا محمد، أَقْرِیْ أُمَّتَكَ السَّلَامَ وَ أَخْبِرْهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَ إِنَّهَا قِيعَانٌ وَ إِنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ). قال الترمذی: حدیث حسن رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم علیه السلام را ملاقات نمودم، گفت: سلام امت را برسان و به ایشان خبرده که بهشت خاکش پاک و آماده‌ی بهره برداری است و همه دشت هموار است و آب آن شیرین است و زراعت و کاشتن درختان در آن به گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر به دست می‌آید». یعنی امت بکوشند هر چه بیشتر این کلمات را بگویند تا هر چه بیشتر از زمین بهشت استفاده کنند. خوشا به حال امت محمد که انبیاء هم به فکر راهنمایی و فایده‌رسانی به ایشان هستند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: (مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ). قال الترمذی: حدیث حسن.

«کسی که بگوید سبحان الله و بحمده، با هر باری که مسلمان این کلمه را بگوید درخت نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود».

باید دانست که مردم از غفلت خود و نگفتن این کلمه‌ی عظیم چقدر نعمت از دست می‌دهند و با مشغول شدن به سخنان بیهوده عمر خود را ضایع می‌کنند و به جای ثواب بارگناه خود را سنگین می‌کنند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از ابوذر رضی الله عنه که گفت: گفتم: یا رسول الله، کدام سخن محبوب‌تر است نزد خدای متعال؟ فرمود: (مَا أَضْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَّ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ رَبِّيَّ وَبِحَمْدِهِ)؛ قال الترمذی: حدیث حسن صحیح.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین سخن سخنی است که خدای تعالی آن را برای فرشتگانش برگزید: سُبْحَانَ رَبِّيَّ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ رَبِّيَّ وَبِحَمْدِهِ: منزّه و پاک می‌دانم پروردگارم را از هر عیب و نقصی و به ستایش او مشغولم».

پس از اینکه صاحب کتاب اذکار ذکرهای غیر مقید را یاد کرد، می‌پردازد به ذکرهایی که در مناسبت‌ها گفته می‌شود و آغاز نمود به ذکرهای که مسلمان موقع بیدار شدن از خواب می‌گوید.

(باب ما يقول إذا استيقظ من النوم)

بابی است در بیان ذکرى که موقع بیدار شدن از خواب مى‌گوید.

در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

(يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ مَكَانَهَا عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَأَرْقُدْ، فَإِنْ أَسْتَيْقَظَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدُهُ كُلُّهَا فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَ إِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانًا).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می‌زند و در هر گره می‌گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می‌شود، و چنانچه بلند شد و وضو گرفت گره دیگری گشوده می‌شود و چنانچه نماز خواند گره‌ها همه گشوده می‌شود و بامداد که از بستر برمی‌خیزد خوش دل و بانشاط برمی‌خیزد و چنانچه خدا را یاد نکرد و وضو نگرفت و نماز نخواند بامداد که از بستر خواب بلند می‌شود بددل و گرفته دل و بی‌نشاط و سست برمی‌خیزد». و معلوم است که کسی که همه‌ی شب به خواب غفلت فرو رفت، نه خدا را یاد کرد، نه وضو گرفت و نه دو رکعت نماز خواند، سستی و بی‌حالی نصیب او می‌شود. مسلمان همیشه با یاد خدا و طهارت وضو و نماز به خدا نزدیک می‌شود، و از روزی که تلویزیون در خانه‌ها راه یافته و کوچک و بزرگ چشم به آن دوخته‌اند و خسته و بی‌حال به بستر خواب می‌روند نشاط عبادت در شب از دست داده‌اند و خوشی قلب نمی‌یابند.

و در صحیح بخاری از حذیفه بن الیمان و ابوذر رضی الله عنهما روایت نمود که

رسول الله ﷺ وقتی که بر بستر خواب می‌نشست می‌فرمود:

(إِشْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَ أَمُوتُ)، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ).

رسول الله ﷺ قبل از خواب می فرمود: «خدایا به نام تو زنده می مانم و می میرم». و بعد از خواب که بیدار می شد می فرمود: «حمد و ستایش ها برای خدای یکتاست که ما را با بیداری زنده فرمود بعد از اینکه ما را با خواب از مردگان ساخته بود و بازگشت به سوی اوست».

و در کتاب ابن السنی به اسناد صحیح آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: (إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي وَ عَافَانِي فِي جَسَدِي وَ أَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ)؛ «موقعی که یکی از شما از خواب بیدار می شود بگوید: همه ی ستایش ها برای خدای یکتایی است که روح مرا برگرداند و تندرستی به من عطا فرمود و به من اجازه داد تا او را یاد کنم».

و در همین کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: (مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ عِنْدَ رَدِّ اللَّهِ تَعَالَى رُوحَهُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَيْدِ الْبَحْرِ).

«هر بنده ای که موقع بیدار شدنش بگوید: لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدير، خدا می آمرزد گناهانش را و اگر چه مانند کف دریا باشد». زید البحر: کف دریا، همان سفیدی روی موج دریاست.

و در همان کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: (مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَ وَ الْيَقَظَةَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقَ عَبْدِي)؛

«هر بنده ای که از خواب بیدار شود و بگوید: همه ی ستایش ها برای خدای یکتاست که خواب و بیداری هر دو را آفرید - تا خواب مایه ی آسایش بندگان باشد و

بیداری برای کار و کسب باشد - همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که مرا به حال تندرستی و سلامت اعضا بیدار فرمود، گواهی می‌دهم که خداوند مردگان را زنده می‌گرداند و او بر هر چیزی تواناست، خدا می‌فرماید: بنده‌ام راست گفت؛ یعنی خدا این گفتار را از او پذیرفت و ثواب او را عطا فرمود.

(باب ما یقول إذا لبس ثوبه)

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید.

مستحب است گفتن بسم الله و همچنین مستحب است بسم الله الرحمن الرحیم گفتن در آغاز همه‌ی کارها. در کتاب ابن السنّی «عمل الیوم و اللیلة» از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت نمود که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه لباسی می‌پوشید خواه جامه خواه لنگ دوش خواه عمامه، هر لباسی که می‌پوشید می‌فرمود: (اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَ خَيْرِ مَا هُوَ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا هُوَ لَهُ)؛ «خدایا از تو می‌خواهم از خوشی این لباس و خوشی آنچه این لباس برای آن ساخته شد. و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شد».

و در همین کتاب روایت داریم از معاذ بن انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي هَذَا وَ رَزَقْنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ، غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ)؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مسلمانی که جامه‌ی نوی پوشید و گفت حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که این جامه‌ی نو را به من پوشانید و آن را روزی من فرمود بدون اینکه حول و قوه‌ی من آن را برایم فراهم کرده باشد، خدا گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد».

(باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً أو نعلين و ما أشبهه)

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آن‌ها می‌گوید.

ابو داود، ترمذی و نسائی در سنن‌شان به روایت از ابو سعید خدری رضی الله عنه آورده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله هر گاه لباس نوی به دست می‌آورد خواه جامه یا عمامه یا لنگ دوش بود برای آن نامی می‌گذاشت آنگاه می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ)؛ حدیث صحیح

«خدایا برای توست حمد و ستایش‌ها، تو آن را به من پوشانیدی از تو می‌خواهم خیر و خوشی آن و خیر و خوشی هر چه این لباس برای آن ساخته شده و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شده است». یعنی خیر و خوشی لباس و خیر و خوشی بدنی که لباس برای آن ساخته شده را از تو می‌خواهم. لباس دارای خیر و خوشی باشد و بدنی که آن لباس را می‌پوشد هم در حال خیر و خوشی باشد. والله أعلم

و در کتاب ترمذی روایت داریم از عمر رضی الله عنه که گفت از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

(مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَاتِي ثُمَّ عَمَدَ إِلَى الثَّوْبِ الَّذِي أَخْلَقَ فَتَصَدَّقَ بِهِ، كَانَ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَفِي كَنْفِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ حَيًّا وَ مَيِّتًا)

«کسی که لباس نوی پوشید و گفت حمد و ستایش برای خدای یکتاست که مرا لباسی پوشانید که به وسیله‌ی آن عورت خود را بپوشانم و به وسیله‌ی آن در زندگی‌ام زیبایی و تجمّل بیابم، آنگاه لباسی را که کهنه کرده بود صدقه کرد و به فقیر

داد او در نگهداری خدا و در حمایت خدای عزوجل می باشد و در راه خداست در زندگی و پس از مرگ».

(باب ما يقول لصاحبه إذا رأى عليه ثوباً جديداً)

بابی است در بیان آنچه به دوستش می گوید وقتی که دید لباس نوی پوشیده است.

روایت داریم در صحیح بخاری از ام خالد، دختر خالد بن الولید، رضی الله عنهما که گفت: لباس هایی برای رسول الله ﷺ آورده بودند و در میان آنها چارقد سیاهی بود. رو به حاضران نمود و فرمود:

(مَنْ تَرَوْنَ نَكُسُوها هَذِهِ الْحَمِيصَةُ؟ فَأَسْكَتَ الْقَوْمُ، فَقَالَ: (أَتُونِي بِأَمِّ خَالِدٍ) فَأَتَى بِالنَّبِيِّ ﷺ فَأَلْبَسْنِيهَا بِيَدِهِ وَقَالَ: (أَبْلَى وَأَخْلَقَ مَرَّتَيْنِ)؛

«به نظر شما این چارقد را به چه کسی بیوشانیم؟ حاضران سکوت نمودند، آنگاه فرمود: تا مرا به خدمت رسول الله ﷺ بیاورند، وقتی که آمدم به دست مبارک خود آن را بر من پوشانید و فرمود: این لباس را بیوش تا آن را فرسوده نمایی، دو بار».

ام خالد آن وقت دختری خردسال بود.

و روایت داریم در کتاب «عمل اليوم و الليلة» تألیف ابن السنی به روایت از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که رسول الله ﷺ لباس تازه ای بر عمر دید و پرسید: لباس نو است یا شسته شده؟ عمر عرض کرد شسته شده است؛ رسول الله ﷺ فرمود: (الْبِشْ جَدِيداً وَعِشْ حَمِيداً وَمُتْ شَهِيداً سَعِيداً).

«بپوش لباس نو و زندگی کن زندگی پسندیده و بمیر به حال شهادت و نیکبختی».

(باب کیفیة لبس الثوب و النعل و خلعهما)

بایی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آن‌ها.

هنگام پوشیدن لباس، کفش، شلوار و مانند آن‌ها از راست شروع کند و در هنگام بیرون آوردن از چپ شروع کند و نیز سرمه به چشم کشیدن و مسواک زدن و چیدن ناخن و کوتاه کردن سبیل و اصلاح سر و تراشیدن موی زیر بغل و سلام نماز دادن و داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از مستراح و وضو گرفتن و غسل کردن و خوردن و آشامیدن و مصافحه کردن و دست کشیدن به حجرالأسود و گرفتن چیزی از کسی و چیزی را به دست کسی دادن، در همه‌ی این‌ها مستحب است از راست شروع کند و ضد آن‌ها از چپ.

و در اذکار از صحیحین روایت شده که عائشه صدیقه رضی الله عنها گفت: (كان رسول الله ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ فِي طَهْوَرِهِ وَ تَرَجُّلِهِ وَ تَنَعُّلِهِ)؛ «پیامبر ﷺ دوست می‌داشت همه‌ی کارهای خوب خود را با دست راست و از سمت راست انجام دهد، در طهارت و شانه کردن مو و پوشیدن کفشش».

و در اذکار از سنن ابی داود روایت شده که عایشه رضی الله عنها گفت: (كانت يدُ رسولِ الله ﷺ اليمنى لطهوره و طعامه و شرابه و كانت اليمنى لخلائه و ما كان من أذى).

«دست راست پیامبر ﷺ برای طهارت، خوردن، نوشیدن، و دست چپش برای قضای حاجت و آنچه که از ناپاکی بود، اختصاص داشت».

(باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما)

بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید.

روایت داریم در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

(سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنَّ وَ عَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْرَحَ ثِيَابَهُ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ).

«پوشش میان چشمان جن و عورت‌های بنی آدم آن است که فرد مسلمان هرگاه بخواهد لباسش را بیرون آورد بگوید: به نام خدایی که نیست معبودی مگر او».

(باب ما يقول حال خروجه من بيته)

بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید.

ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از ام سلمه رضی الله عنها که همسر رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد و نام او هند است روایت نمودند که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه از خانه‌اش بیرون می‌رفت می‌فرمود:

(بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَذِلَّ أَوْ أُذِلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)؛ حدیث صحیح و قال الترمذی حدیث حسن صحیح.

«به نام خدا و توکل نمودم بر خدا، یعنی به نام خدا از خانه بیرون می‌روم و بر خدای یکتا اعتماد می‌نمایم. خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه گمراه شوم و یا اینکه گمراه کرده شوم و پناه می‌برم به خدا از اینکه خوار شوم یا خوار کرده شوم و از

اینکه ستم به کسی نمایم و یا اینکه کسی به من ستم نماید و از اینکه راه نادانی بگیرم و یا اینکه کسی با من نادانی نماید.

رسول الله ﷺ در تعلیم این امت چنین بیان فرمود که در بیرون رفتن از خانه، نام خدا را یاد کنند و بر ذات مقدسه‌ی خدا توکل نمایند و به خدا پناه ببرند از اینکه خود راه خواری بگیرند یا کسی ایشان را خوار نماید، نه خود راه گمراهی بگیرند و نه کسی ایشان را گمراه کند، نه خود به کسی ستم کنند و نه کسی به ایشان ستم نماید و نه خود راه نادانی بگیرند و نه کسی راه نادانی با ایشان بگیرد. کسی که در بیرون از خانه به پشتیبانی نام خدا و توکل بر خدا از گمراهی و خواری و ستم و نادانی نگه‌داری شود، خیر دنیا و آخرت برای او جمع شده است.

و در روایت ابی داود و ترمذی و نسایی و غیر از ایشان از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود:

(مَنْ قَالَ - یعنی إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ -: بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، يُقَالُ لَهُ: كُفِيتَ وَ وُقِيتَ وَ هُدِيتَ وَ تَنَحَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «هر کس موقعی که از خانه بیرون رفت گفت: بسم الله توکلت علی الله و لا حول و لا قوه الا بالله: به نام خدا از خانه بیرون آمده‌ام و بر خدای یکتا اعتماد کرده‌ام و نیست چاره‌ای در پایداری بر طاعت خدا و نه توانی برای دوری از معاصی مگر به کمک خدای یکتا، کسی که این را گفت به او گفته می‌شود: تو را کفایت کرده‌اند و نگه‌داشته‌اند و راهنمایی کرده‌اند به سوی راه راست و شیطان از او دور شد.»

(باب ما یقول إذا دخل بیتہ)

بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه‌اش می‌شود، می‌گوید.

مستحب است که موقع داخل شدن به خانه بگوید: بسم الله. و یاد خدا بسیار نماید و سلام کند، خواه کسی در خانه باشد و یا نباشد. اگر در خانه کسی است می‌گوید: السَّلامُ عَلَیْکُمْ. و اگر در خانه کسی نیست می‌گوید: السَّلامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ. خدای متعال فرمود:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُیُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِکُمْ تَحِیَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَکَةً طَیِّبَةً﴾

«وقتی داخل به خانه‌هایتان می‌شوید بر اهل خانه سلام کنید که این گرامی داشتنی است پاک و پربرکت که از نزد خدا می‌یابید».

ترمذی از انس رضی الله عنه روایت نمود که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود:

(یا بُنَیَّ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِکَ فَسَلِّمْ تَكُنْ بَرَکَةً عَلَیْکَ وَ عَلَى أَهْلِ بَیْتِکَ). قال الترمذی

حدیث حسن صحیح

«وقتی که داخل به خانه‌ات شدی بر خانواده‌ات سلام کن بگو: السلام علیکم که همین سلام کردن برکتی است بر خودت و بر خانواده‌ات».

و در سنن ابی داود روایت داریم از ابومالک اشعری رضی الله عنه (نام ابومالک: حارث است و گفته شده: نام او عبید و گفته شده نام او کعب و گفته شده نام او عمرو است، یعنی نظر به اینکه شهرت او به ابومالک است در نام او اختلاف است، اگر چه معتمد همان حارث است).

ابو مالک گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (إِذَا وَجَعَ الرَّجُلُ بَیْتَهُ فَلْیَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّ أَسْأَلُکَ خَیْرَ الْمَوْجِ وَ خَیْرَ الْخُرْجِ بِأَسْمِ اللَّهِ وَ لَجْنَا وَ بِأَسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا وَ عَلَی اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا ثُمَّ لَیْسَلُمَّ عَلَی أَهْلِهِ).

«وقتی که شخص داخل خانه‌اش شد بگوید: خدایا از تو می‌خواهم خیر داخل شدن به خانه و از تو می‌خواهم خیر بیرون آمدن از خانه. به نام خدا به خانه داخل شدیم و به نام خدا از خانه بیرون می‌رویم و بر خدای یکتا که پروردگار ما می‌باشد توکل نمودیم. آنگاه سلام بر اهل خانه‌اش نماید». ابو داود پس از روایت این حدیث آن را ضعیف ندانست.

و ابو داود به اسناد حسن روایت نمود از ابو امامه باهلی که نام او صَدِّی بن عَجْلان است از رسول الله ﷺ که فرمود:

(ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، رَجُلٌ خَرَجَ غَارِيًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرِ وَ غَنِيمَةٍ وَ رَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرِ وَ غَنِيمَةٍ وَ رَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ بِسَلَامٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى). حدیث حسن

«سه کس اند که در ضمان و رعایت خدای عزوجل هستند: مردی که به جهاد فی سبیل الله رفت او در رعایت خدای عزوجل می‌باشد تا اینکه خدا او را وفات دهد و به بهشت داخل گرداند یا اینکه او را به خانه‌اش برگرداند با آنچه از اجر و غنیمت به دست آورده است. و مردی که به مسجد رفت (برای طاعت خدا) او زیر نظر و رعایت خداست تا اینکه خدا او را وفات دهد و او را داخل بهشت سازد یا اینکه او را زنده برگرداند با آنچه از ثواب و غنیمت عمر به دست آورده است. و کسی که داخل به خانه می‌شود با سلام بر اهل خانه، او در ضمان و رعایت خداوند پاک و بلند مرتبه است».

و در صحیح مسلم به روایت از جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنهما آمده است که جابر گفت از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می فرمود:

(إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ وَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ؛ وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ؛ وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ).

«وقتی که شخص داخل خانه شد و نام خدا را یاد کرد وقت آمدن به خانه و خوراک خوردن، شیطان به همراهانش می گوید این جا نه محلی برای خوابیدن دارید و نه خوراکی برای خوردن و چنانچه وقت داخل شدن به خانه نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می گوید این جا جای خوابیدن یافتید و وقتی که هنگام غذا خوردن نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می گوید شما در این خانه هم جای ماندن یافتید و هم غذا برای خوردن.»

و امام مالک در موطا فرمود: کسی که داخل به خانه ای شد که کسی در آن نیست، بگوید: السلام علينا و علی عباد الله الصالحین.

(باب ما يقول إذا استيقظ في الليل و خرج من بيته)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود.

مستحب است وقتی که در شب از خواب بیدار شد و از خانه بیرون رفت نظر به سوی آسمان نماید و از آیه‌ی ۱۹۰ تا آخر سوره‌ی آل عمران را بخواند:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا إِنَّكَ مِنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا مَنادياً ينادى للإيمان أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ * فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْشَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَوُذُوا فِي سَبِيلِي وَقاتِلُوا وَفُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَاباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ * لا يَغْرَنَّكَ تَغْلِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمِهَادُ * لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نَزلاً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرارِ * وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِيلاً أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ *)

«حقاً که در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و از پی یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌های قدرت پروردگار است برای خردمندان. آن مردمی که خدا را یاد می‌کنند

ایستاده و نشسته و بر پهلو افتاده و می‌اندیشند در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و می‌گویند: ای پروردگار ما، نیافریدی این همه کاینات پر عظمت را به باطل، منزّه هستی از هر عیب و نقصی، پاکی از هر عیب، پس نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ. پروردگارا به حقیقت هر کسی را به دوزخ فرستادی حقا که او را رسوا کرده‌ای و نیست ستمگران را هیچ یاری دهنده. پروردگارا به حقیقت که ما شنیدیم دعوت کننده که به سوی ایمان دعوت می‌کرد و می‌گفت ایمان بیاورید به پروردگارتان و ما قبول دعوتشان کردیم و ایمان آوردیم، پروردگارا پیامرزم را و گناهان ما را آمرزیده ساز و بیوشان از ما بدی‌هایمان و وفات و مرگ ما را همراه نکوکاران قرارده که در وقت وفات از نکوکاران باشیم. پروردگارا بده ما را آنچه را که بر زبان پیغمبرانت نوید آن را به ما دادی و ما را رسوا مگردان در روز قیامت به حقیقت که تو هیچ‌گاه خلاف وعده نخواهی فرمود. پروردگارشان دعایشان را به اجابت رسانید و فرمود: ضایع نمی‌گردانم عمل هر عمل خیر کننده از شما از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی دیگرند (شما همه از همدگر هستید و ایمان و عمل صالح میان شما جمع نموده) پس مردمی که هجرت کردند از دیار کفر و بیرون شدند از شهر و خانه‌هایشان و شکنجه و اذیت دیدند از کافران در راه ایمان آوردن به من و جنگیدند با کافران و کشته شدند در این راه، می‌پوشانم از ایشان بدی‌هایشان و ایشان را داخل می‌سازیم به بهشت‌هایی که روان است زیر آن‌ها رودها، این همه احسان که به ایشان برسد پاداشی است از نزد خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. نفریبد تو را رفت و آمد کافران در شهرها، خوشی اندکی است پس از آن جایگاهشان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است برایشان (که به جای آرامش در دوزخ می‌سوزند). ولیکن مردمی که از خدا ترسیدند برای ایشان است بهشت‌هایی که روان است زیر آن‌ها رودها در حالی که در آن بهشت‌ها و خوشی‌ها جاویدان می‌مانند و

این مهمانی است از نزد خدا برایشان و آنچه نزد خداست بهتر است برای نکوکاران. و به حقیقت از اهل کتاب: از یهود و نصاری مردمی هستند که ایمان می‌آورند به خدای یکتا و آنچه نازل شد بر شما و آنچه نازل شد بر خودشان، فروتنی کنندگانند برای خدا، نمی‌خرند در مقابل آیات خدا بهای اندکی، آنانند که برایشان است ثوابشان نزد پروردگارشان، حقا که خدا خیلی زود به حساب بندگان برسد. (حساب این همه خلایق در مدت کوتاهی انجام می‌دهد: آنچه مومن هستند حساب اعمالشان به قدر فاصله‌ی میان دو نماز انجام می‌شود و به خوشی جاویدان می‌رسند و آنچه کافرنند روز سختی در پیش دارند، همه رسوایی و بدبختی و دست آخر به آتش سوختن). ای مردمی که ایمان آورده‌اید، ای مؤمنان صبر و شکیبایی پیشه کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و بترسید از خدای متعال تا رستگار شوید.

در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که رسول الله ﷺ وقتی که در شب بیدار می‌شد و از خانه بیرون می‌رفت آن آیات را می‌خواند. و نظر کردن پیامبر به آسمان و خواندن آن آیات در صحیح بخاری آمده است و در مسلم نیامده است. و در صحیح بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت نموده‌اند که رسول الله ﷺ موقعی که برای نماز تهجد از خواب برمی‌خاست می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ قَيُّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ وَعَدُّكَ الْحَقُّ وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَمُحَمَّدٌ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَأَغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ). زاد بعض الرواة: (و لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ).

«خدا یا ستایش‌ها همه برای توست. تو نگه‌دار آسمان و زمین و همه‌ی آنچه در آن دو می‌باشد، هستی. و ستایش‌ها برای توست، مالکیت آسمان‌ها و زمین‌ها و آنچه در آن دو می‌باشد برای توست. و ستایش‌ها برای توست. تو روشن فرمای آسمان و زمین‌ها و آنچه در آن‌هاست، می‌باشی و همه ستایش‌ها برای توست. تو حق هستی و وعده‌ی تو همه حق است و دیدار تو در آخرت برای مومنان حق است و گفتار تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و رسالت محمد بر حق است و قیامت حق است. خدا یا خود را تسلیم فرمان تو نمودم و به فرمان تو مسلمان شدم و به تو ایمان آوردم و کارهایم را همه به تو واگذاشتم (تا سعی و کوششم را به ثمر برسانی) و به سوی تو رجوع و انابت نمودم (تا همیشه روی دلم متوجه درگاهت باشد و انجام دهنده فرمانت باشد) و برای تو با دشمنانت دشمنی نمودم، و برای داوری روی به سوی تو نمودم، پس پیامرز برایم گناهان پیش از این و بعد از این و آنچه از گناهان که نهانی انجام دادم و آنچه از گناهان که آشکار نمودم، تو به جلو می‌اندازی کسی را که بخواهی و به دنبال می‌اندازی کسی را که بخواهی، نیست معبودی به حق مگر تو». و بعضی از راویان این کلمه را افزوده‌اند: (ولا حول و لا قوّة الا باللّه)؛ «نیست نیرویی مرا در پایداری بر طاعتت و نه توانی برای دوری از نافرمانیت مگر به کمک تو و به کمک توست که راه پایداری بر طاعت و دوری از معصیت را به دست می‌آوریم».

(باب ما يقول إذا أراد دخول الخلاء)

بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح می‌گوید.

و در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که انس رضی الله عنه گفت:
رسول الله صلی الله علیه و آله موقع داخل شدن به مستراح می‌فرمود: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ
وَ الْخَبَائِثِ).

«خدایا پناه می‌برم به تو از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در سنن ترمذی به روایت از علی رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
(سِتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنَّ وَ عَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَنِيفَ أَنْ يَقُولَ: بِأَسْمِ اللَّهِ).
«چیزی که عورت بنی آدم را موقعی که به مستراح داخل می‌شود از چشم جن
می‌پوشاند گفتن بسم الله می‌باشد».

بنابراین چه در مستراح و چه در صحرا قبل از نشستن برای قضای حاجت
بگوید:

(بِأَسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَ الْخَبَائِثِ)؛

«خدایا نام تو را یاد می‌کنم و به تو پناه می‌برم از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».
و در روایت ابن السنّی و طبرانی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است
که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه به مستراح داخل می‌شد، می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخُبْثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ).

«خدایا پناه می‌برم به تو از شر پلید ناپاک، خبیث بد عمل، شیطان رانده شده».

(باب النہی عن الذکر و الکلام علی الخلاء)

بابی است در بیان نہی از ذکر خدا و سخن گفتن بہ هنگام قضای حاجت

موقعی کہ برای قضای حاجت نشسته است مکروه است یاد خدا و سخن گفتن، خواه در صحرا باشد یا در ساختمان. و ہر نوع اذکار و سخن یکسان است. و سخن نگوید مگر برای ضرورت، حتی اگر کسی عطسه نماید، نگوید: یَرْحَمُکَ اللّٰہُ و اگر خودش عطسه کند، نگوید: الحمد للہ. و اگر کسی بر او سلام گفت، جواب سلامش ندهد. و اگر صدای مؤذن بشنود جواب آن را ندهد و مانند مؤذن نگوید. و اگر اذان شنید و جواب اذان بہ دل بگوید و بہ زبان نیاورد مانعی ندارد. همچنین اگر در حال جماع بود بہ دل جواب مؤذن بگوید و بر زبان نیاورد.

و در صحیح مسلم آمدہ است موقعی کہ رسول اللہ ﷺ بول می کرد مردی کہ عبور می کرد سلام نمود و رسول اللہ ﷺ جواب سلامش نداد.

و در سنن ابو داود و نسایی و ابن ماجہ بہ اسناد صحیح از مہاجر بن قنفذ روایت نمود کہ مہاجر گفت:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَ هُوَ يَبُولُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيَّ حَتَّى تَوَضَّأْتُ ثُمَّ أَعْتَذَرْتُ إِلَيْهِ وَ قَالَ: (إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أَذْكَرَ اللَّهَ تَعَالَى إِلَّا عَلَى طَهْرٍ).

مہاجر گفت نزد رسول اللہ ﷺ آمدم و سلام بر او نمودم وقتی کہ مشغول بول بود، جواب سلامم نگفت تا اینکہ وضو گرفت و معذرت خواست و فرمود: «مکروه دانستم کہ نام خدا را یاد نمایم وقتی کہ بر طہارت نیستم».

(باب النہی عن السلام علی الجالس لقضاء الحاجة)

بابی است در بیان نہی از سلام کردن بر کسی کہ برای قضای حاجت نشسته است.

اگر کسی بر او سلام نمود حق جواب سلام ندارد و دلیل آن حدیث روایت ابن عمر و مهاجر است کہ در باب قبلی یاد شد.

(باب ما یقول إذا خرج من الخلاء)

بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید.

می‌گوید: (غُفْرَانُكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ عَافَانِي)؛ «خدایا در برابر وقتی کہ به غفلت گذراندم از تو آمرزش می‌خواهم. ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است کہ پلیدی را از من دور کرد و مرا تندرستی عطا فرمود».

در حدیث صحیح در سنن ابوداود و ترمذی آمده است کہ رسول اللہ ﷺ وقتی کہ از محل قضای حاجت بیرون می‌آمد، می‌فرمود: «غُفْرَانُكَ»؛ «از تو آمرزش می‌خواهم» و در سنن نسایی و ابن ماجہ ادامہ‌ی آن آمده است، یعنی می‌فرمود: (غُفْرَانُكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ عَافَانِي) و ابن السنی و طبرانی از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت کرده‌اند کہ رسول اللہ ﷺ موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌فرمود: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ أَبْقَى فِي قُوَّتِهِ وَ دَفَعَ عَنِّي أَذَاهُ)؛ «همہ‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است کہ لذت خوراک را بہ من چشانید و نیروی حاصل از خوراک را در وجود من باقی گذاشت و آزار و اذیت آن را از من دفع کرد».